

یه ک سال کاری مامؤستایه‌تی  
جه‌مال نه‌بهز له هه‌ولیر، هه‌روهها  
سه‌رنجه‌کانی لمباره‌ی بارودوچی ئه‌وکات  
و هه‌لگیرسانی شورشی ئه‌یلول و  
نه‌گه‌پانوه‌ی بو کوردستان

پاشکویه‌کی تابیه‌ت به یه ک سال کاری مامؤستایه‌تی دجه‌مال نه‌بهز له هه‌ولیر

# ھەولیزه‌کون په‌نجا سال له‌مه‌وېر

## (پايزى 1960 - پايزى 1961)

**بىرھورى سالىك لە خزمەت قوتاپياني مەلبەندى شانازانى مىزۈووی كورىستاندا**





پین، هوا ترخان ناکری برقی خواهی استان،  
هو اکانت دا قوبنای کارکشونه قوتابخانه  
دوانیونه کارکشونه نیواران، پیشوایانه  
ماهستانی فرنگ و ماهستانی همرو، به لام  
پیزوه به ترتیب زانیاریسی، پیوشه بودجه  
هو، ترا بهاره دنده با ماقوتستان، وک  
و ایلچه (حاصر) کارکن،  
نه باند و سوست به خوابی شے و که بیان  
پیوهونه گونته و بیدنه سوس، کوتاروکش کش  
له بیهوده و پیوشه قوتابخانه، ماقوتستان عالی  
ستفه و پیوشه بیدنی زانیاری، هسته  
مامه و بز روزی سیمین گه هارمهه و هاری.  
به لام دره بودجه بکه پیشهه هولو، لام تو  
ماهستانکارکشونه اس، هولو ناخوشیه کاربو،  
عیزانچیه کار بیو، هولو خستکنی  
کشکه که دابو، هولو ناخوشیه کشکه تو  
تیونس، هولو ماقوتستانه، ماقوتستانه  
تیونساعیل، هوله بدم کوری ماقوتستانکارکشونه  
به ماهستون موسا خليل قالی گوتونه  
سوسی انت بریل میل ایلهازه، مووسا،  
دره ایلهازه، هوله بعله بسر، که نامه ش

مشکنی نائنسایی نایبو؛ هان به دردهم و  
گوئی: «نمایش، نمیتواند مدعی داده و بگویی  
و خلاصه کننده باشد»؛ دعوایت بزم از پویا؛ بادی  
و بخدری؛ سالانه له برایتان دادی؛  
بکار کاری قوتاییم بموه له  
هاویان؛ توشیغ یافته‌شده خی له برایتان  
باشکنی؛ و نو کشتنی، وک مامهوه  
هدیده و نو؛ و کشتنی، وک مامهوه  
باشکنی؛ و نو کشتنی، وک مامهوه  
نه‌چه‌دهن بیستو؛ مومنات به جلوه  
و بلطف کاپیدا دیار برو که له بختانک  
هزار؛ راستیم بی پیسویه، گوئی  
حاجی تهمه که نمی‌تواند شاهمه‌ایم بازک

لیبر

الى: - مديرية دار المعلمين الابتدائية في اربيل  
مديرية دار المعلمات الابتدائية في اربيل

الموضوع: نهانج تدریس اصول اللغة الكردية

الاطلاقنا مديرية المعارف العامة للدراسة الابتدائية بكتابها ١٥٢٧ في ١٦/١١/١٩٩٣

اللodge الخدمة لم تنتهي من وضع بقية اصول تدريس اللغة الكردية للاصناف الثالثة و الرابعة

الملحقين والمعلمات تقرر جواز علمكم بذلك.

مدیر معارف لیوا / اربیل

النایخ / ١١٢٠١١/١١/٢٠١٣

سے فوتو گرت و پوچھو۔ قوتا بیبے کانسی  
شیو شیک اسماں ہیڑاں و لوانہ بیوون کے  
بے جو زار یارندہ کرد، کاتنسیں نہ بیوو  
خوئیند، نیواران نہ بین کے مامنے دی، گوٹم  
نامادم ہفتتی سے شش دھرمیتی وانہنی  
45) خولک (چلک) بخپیاں وانہ بیلتمیوو  
چوار دھرمیتی بانہ تیکیں ماناتمک و دو  
دھرم دھریش تیکیں، بہرامبر بہ دوہ  
دہین پشکنگیریں الجھنے ی زمان و فہرمنگی  
کورتی بکرن، بہانگار بہو زانیووں کے  
لے لائز (خپندری) قوتا بیبے، کالکیں  
ای خزم ہبیو، بشپکنی بیندی بُو نو  
کار، بہم تو نیانیم خرمہ تیکیں قوتا بیبے  
شکنگنیں، پاکے سم خرمہ تیکیں قوتا بیبے  
مه زارہ اسی نیواران بکین و بہ مہش و دک  
گوشارکی بہ کارپیووں بُو جاویو شیش لے  
بیوویتی لیجنے ی زمان و فہرمنگی کورتی، کے  
نیوو ریزانتی ناہیں دیکریں بُو، وک وک  
جیہے کمان لے لابوڑے کے پر خانکرد و چند  
نؤلچنگ کمان تیتا دانا، کو نیواران بیوویبی  
دوہوں لے دیکریں مالاں مہار ڈیکارووں خوش  
خچند بہ سستیکد پر تکریکو کوردیم بہ خشی  
بے لیٹنکه و ماموستا گویو موکریانیش  
بستیکنگی کو گوره بہ زارکو بہ بیارہ بہ خشی  
لے لوزن کمان و جار، هر جا چنکیشی چومواه و دو  
بُو سلیمانی، چند داندیکو بہ ترکوک لہکل  
ختم ہدینتا و دھرمستنے کانکا کانوو  
کے بیویو نوسو رکر و بیوی بہ رتکو کان لے  
دفعتی دنکتا بہیتی پایتے تارکار کمان  
ھفتتی بُو جار، هر جا رجہ دوو دھرمیتی  
وانہنی کوردا راشتی (کوردا لڑی) ہوو، دو  
قوتابیانی اسی نیواران بیوویوو، دھانن بُو  
کوئنگنکن و پرسکانکن.

نیزدیده بود که در اینجا همچنان میگفتند: «لر و زرده بکشیده باشید» راهنمای سیر پیکنیک: «لر و زرده بکشیده باشید»، جایگزین که  
تزوییلیکی نهفته‌ملکی، که جاران هیجانی  
اسکسی بکارهای این را، به لشکر داده‌امهاده  
سلمانی. لر خانه پشت‌خوده جیگیزبوب  
پیاویکی گذشتی همانکی سیستانی لر  
تیزنشوشه سواربوبی، نمه سالی 1960  
بوجو که کومونیستیکهانه هم معمول عیارقدا  
توشوی شیوه‌زیمه و شیله‌زان بیرون، بهم  
له کوسنداندانه بیشتنا بهزینشون. کابرای  
نهضت: وکد: رو لره قسمه کابردی که دوکوت  
درازدانه ارسو و داریزرسو سسره برای  
کومونیستیک عیارقدا، همچو: «لر و زرده»  
لر گلدنی؛ دیگر بیلایه، او: لر؛ جاری و  
هیبهه نهوانه انسی پیلایه نیلهدهون.  
کابردکهانه بیزینه کارهای میگذرتند.  
نهم بهزیره: پدر لر کومونیستیکهان  
لر سدر قاسم و شیشه کریمه کومونیستی  
لر دکوره. لقسى: کردندا هات سار پاسی  
لر و چند کاسه هامعده های تیسو کوردا  
هن و پیقسی ای نوکری نیستعمر و  
کوکتی سرستن و لرن توینه هامشاد: «چمال  
بزم»؛ و چند کمکرکاریکی همچنان  
پاش بیو: نهکشیده بازه و نه نهفه ره کاری  
چیهان خیان به مدموجا و نهاده.  
نهم: «لر و زرده»، همچنانه... داده.  
نیزدیده بود که در اینجا همچنان میگفتند: «لر و زرده بکشیده باشید» راهنمای سیر  
پیکنیک: «لر و زرده بکشیده باشید»، جایگزین که  
تزوییلیکی نهفته‌ملکی، که جاران هیجانی  
اسکسی بکارهای این را، به لشکر داده‌امهاده  
سلمانی. لر خانه پشت‌خوده جیگیزبوب  
پیاویکی گذشتی همانکی سیستانی لر  
تیزنشوشه سواربوبی، نمه سالی 1960  
بوجو که کومونیستیکهانه هم معمول عیارقدا  
توشوی شیوه‌زیمه و شیله‌زان بیرون، بهم  
له کوسنداندانه بیشتنا بهزینشون. کابرای  
نهضت: وکد: رو لره قسمه کابردی که دوکوت  
درازدانه ارسو و داریزرسو سسره برای  
کومونیستیک عیارقدا، همچو: «لر و زرده»  
لر گلدنی؛ دیگر بیلایه، او: لر؛ جاری و  
هیبهه نهوانه انسی پیلایه نیلهدهون.  
کابردکهانه بیزینه کارهای میگذرتند.  
نهم بهزیره: پدر لر کومونیستیکهان  
لر سدر قاسم و شیشه کریمه کومونیستی  
لر دکوره. لقسى: کردندا هات سار پاسی  
لر و چند کاسه هامعده های تیسو کوردا  
هن و پیقسی ای نوکری نیستعمر و  
کوکتی سرستن و لرن توینه هامشاد: «چمال  
بزم»؛ و چند کمکرکاریکی همچنان  
پاش بیو: نهکشیده بازه و نه نهفه ره کاری  
چیهان خیان به مدموجا و نهاده.  
نهم: «لر و زرده»، همچنانه... داده.  
نیزدیده بود که در اینجا همچنان میگفتند: «لر و زرده بکشیده باشید» راهنمای سیر



سروت خیر.

مشتی قوتباخانی ناوهندی موسه‌للا بپردی - نالترن کبردی - ل رزی 2ی نیسانی ۱۹۵۶، نهانی ل و تنه‌که دیارن: هنرپروره‌همان رزا، سویچی بیلال دده، عوسمان عومه‌رفوزی، پس نعحمد و کوره‌کاری، فقاطم بوغزمی، فاصل ساقی، موسا تو؛ هنرخان عالم، خفافات و حمال نعمان.



که له بسره سانیک ماموستای  
قوتابخانه‌ای نزده ندیپ تیریدن، له مونتیکل  
له گریکی نشانشار (عشار) به سرمه نوریت و  
به کرگدنیتو، همه وها له بخاش کار  
سال ماموستای قوتاچانه‌ای دوایتندنی  
حاج روبیه (جفری) بیرون، له موقیل ره‌شید  
که نو دهمه مونتیکل پکچ بیو، ندیپنیک  
قوتابخانه‌کهوه بیو، نوریتک به کرگدنیتو  
چیشتی مجهور، که هزار بخوبینته و  
به مروری هزار به چونکه دنمانی، که ندیپ  
هیچ یا گلکه کی بیکه پیشیسته این، کاک  
هندینش خوش هد رازات که کاموستا کی،  
سیه حبزینه نیمچه کرات آیه و، تاوه و  
هاواکاریسی له گلک بامس هیبن، بیچک  
لماکش، کاک ندیپ له رسه هزار مکوبای  
نالاکاته، یا گلک لرس، خاون بیده خاکان  
و تا خاکانه، یا گلک دنکاته، که هزار بیو  
به زیورانه‌دنان، نوموش ندانک له خوش ویستی  
و ندوستیه‌ای، به لکن ندانک سکه نهی،  
چونکه بخششله و بدریمه، یا کاک کاری  
نددمما بیان، دکهونه کالت پنکدنیان.

## چەند بىرەوەرىيەكى خۆشى ھەولىر

+ سیامنچهندی و "میرمک"  
له پوشانسته مهولی، گاهه ندینی  
تینی سیامنچهندی سیامنچهندی سیامنچهندی  
و دانشتوشی گاگردی که نهادنی بود، مزون  
لبلانک و بوردنان بود، مکرسکن  
کارهای دستانته، با پنهانی برپایی مالکان  
یان گرفتنی امسیده دریه، سیامنچهندی  
پدیده بوده و هجوم و نهادنی که از آنها  
نهگر بالغ و فرزند و بزرگتر ریخته دریه  
العمل مسالم پرده بوده، و باز نوستی  
بـ لـام کـه یـکـنـیـکـ وـکـ نـوـسـتـیـ  
بـ جـوـوـهـ تـکـمـالـهـ نـهـلـهـ زـانـدـنـهـ  
پـسـنـ چـاـکـ سـیـامـنـچـهـندـیـ دـبـدـیـ بـدـیـ  
سـیـامـنـچـهـندـیـ نـزـدـهـ دـبـدـیـ سـوـدـیـ  
بهـ یـکـنـیـکـ دـبـدـیـ وـکـهـوـهـ جـنـهـنـهـ  
لـخـلـکـ وـخـدـهـ خـنـجـهـ، چـنـهـ کـانـشـهـ  
خـنـجـهـنـهـ، کـهـ پـیـانـگـانـهـ.  
مامـ سـیـامـنـ، شـتـلـ توـ نـمـکـارـهـ دـبـیـ  
بـاسـیـ چـاـکـ کـهـ کـهـ کـهـ کـهـ کـهـ کـهـ کـهـ  
هـهـ مـوـوـ گـوـوـهـ مـوـوـهـ مـوـوـهـ مـوـوـهـ مـوـوـهـ

هاوینی سالى 1960 - له گەشتىكدا بۆ شەقللەوە

پروردگاری و تدوین، هر روزها گوئی قرآن پیشخوانه که  
دستی از مکانیزم های اسلامی برای ایجاد خود را در میان  
جمهوری اسلامی ایران معرفت نمودند. این دستی از مکانیزم های  
ایرانی برای ایجاد خود را در میان جمهوری اسلامی ایران  
نمیتوانست بروان نجده دنی و کسانه سفید نمیزد.  
با لام شوهی و ایلیمن کرد نه هم باسے  
نیوسیم، نه دوچوره، که سیستم کوکوچه کش  
دستی از مکانیزم های اسلامی برای ایجاد خود را در میان  
جمهوری اسلامی ایران معرفت نمودند. این دستی از مکانیزم های  
ایرانی برای ایجاد خود را در میان جمهوری اسلامی ایران  
نمیتوانست بروان نجده دنی و کسانه سفید نمیزد.  
نه هم باسے

A black and white photograph of five people posing in front of a brick wall. From left to right: a man crouching, a woman standing in a patterned dress, a woman sitting on a low wall, and a man standing in a suit. A blue ribbon graphic is overlaid at the top center.

وادیاریو برو باش تینه که بیشت: دویارهای کرد و  
 بیشت: خوشک شاهو تو هلمزته  
 همه لولیت: کوت: کوت: اما دهدک نینه: کوت: سری  
 کوت: شاهو تو همه دند: به پیشتمان کرد بیمه کای  
 باش تینه برویت  
 مونه چشم که بیچند برو: حبیجهوم بیهار  
 سلیمانه دند: تالیری داده و خوش  
 گرفت: نهوجا بدنه کی: رنگ گوئی: فرمون  
 فرمون: نامعشه مانوزن کور: سری  
 دهدکه دند: همان کوپل بیم  
 دهدچن: تو فرنگی هداخوان: کاک خوش  
 ده لست: تیرتنه بایله هاویشستیت: نیندی  
 دسته هی: جو رومه پیشنه دند: دستکشده ملی  
 سلیمانه دند: اوایل لینوروند لیکدر و  
 گونه: سلیمانه دند: تو: جنینه کاتنه و  
 جوانیت:  
 + کافی خوشک: هفتاد کوپل بیمه کای باش  
 فرمون: بیم

پیوستی دارد نیو نهاده هم معمول خارجی به  
بکن پارامیدم؟<sup>۱</sup> گفت: «عنین هیچ کاٹیک  
خرابی را پارامید نمایند و نه کوکاین»، «ماستانا  
کافکر از دستورات خود را بخواهد و کوکن، «این کارهای  
به راه برید، به لام تر دیدن بیرونیت، «زمزمتی  
تنت لایه چوچان، مهکر بکن نه خوش  
نیزیندینن» گفت: «باشه سوکاره دمکم، به لام  
و اسکارا میباشد و کنیتی باش بشوی هاین و هاین  
له پیشی ماهموتانیتی بهیتم و چمه دمرده و  
بز خود فتوختن، «نهاده کنم دوکارم دهن»  
تاباونی، نزد هولیدا که بیمه موافیان، به لام  
لایوی نیزه دستور دهن و کوکن از قطبانیت  
بیشتر چندم و نهاده هفته فری پیشوی اسرار  
بیشتر چندم و نهاده هفته فری پیشوی اسرار  
تفصیلی دیده دنستونی، هاین و کارم برو  
پیوستیم به لایه نهاده بکون، بکان و بکان  
سافت سافت کارکل و بار سوکو، به لام و  
در وکر.

به رو هه ریز و باتاس

رُوزانه لگه راهی های زیرین پاسی بچوک  
که به تینوهاده نینوپارسون، چند جایز  
دچوون بز هایرس و باتاس و دهد گاینده.  
بیده کیمک لکه ایستاده که همه یاری، باسے  
جیت ۱۵-۲۰ کیمسی تندیده بوده و «بام»  
با سیچ چی؟ و دک مک استاده کیمک و «بام»  
هردوهده و ناده منکز دوهستا. خالک  
له تندیش استاده کاشه و درگهستاون و  
دسته شان بز لارگنکن باسکه هلمه بدری،  
با سکه کشیده و مهندیگن.  
س-زنجی نهاده، و اوناتی هلسرجاده کان  
بوبن، و «فوانه» سواری باسکه دهیون،  
که در چندین چکارهایون یعنی فقاهه بینیو  
یان همامه. هم و دک خوتاماده کدینک  
بز شه، یان بدله گاهی هاتن پیشوا. باره  
کوره لدنی که دسته دسته بزرگی که بدریزی  
خوبی کروکه و ساره همه موکو ناده.  
بچه که کمک لگنگن بوجه، به لام و که نه  
رُوزه لامه بدوهی ساره شاری دینه دینک  
ایتمانیتی بوجو، چونکه هر لامه بتویسا که دابسی  
ماهی قبر و جینه گردکن که نهاده  
دهستور و، نه و قسانه یان دک در و هستی

نه سیستم مگرو، و "مهمنز" له بخداوونه  
نه ده تینلارا بې شارکاران، هر سانشیک خۆزى  
سەرەپشەشكارى بې، كاڭلۇرىيادىل داونانەندىرىنى  
(ئۆزىلى پىتىچى) دەشتىنەندىرىكەر، كە  
سالى 1959 دا له قۇتابخانى داونانەندىرىنى  
جاقەرىدە (جەعفرى) لهغا گەدا ماۋەستى بۈرم  
نه سالى خۇمان بىرسىرايدە كائىن باكالۇرىيادى بېلىنى  
پىتىچەمەن دانا، هەر خۇشمان سەرىدەشىنى

A black and white photograph showing a group of approximately ten people, mostly young adults and children, sitting on the ground in a dry, rocky landscape. The individuals are dressed in simple, traditional-style clothing. A prominent, semi-transparent blue watermark with the Arabic word "الباما" (Al-Bama) written vertically in a stylized font runs diagonally across the upper portion of the image.

بچمه لای بیهوده بیر، که ودهمه نشسته  
محمد محمد سفروت بو، کچووم ماموتی  
مارف عبداللاش علی دانشیوری، ماموتی  
دانسی، چونکه علی دانشیوری امدویه  
بیهوده بیهوده قوقاتانه که نویزندگی نداشت  
بو، وک قوقاتانه کان و ماموتی کان  
سلیمانی استسانیدنکه، بیهوده بیهوده  
باش خوش بخواهی کانه که لای بیهوده  
کوهنه کانی خوش کلی قلاط بیون، زد حارمه  
به نشسته استسانیدنکه، نیزه زد و نیزه  
دکت. ناو سو ردهمه نه منی 45 سالیکانه  
و پدر دکه، بیهوده استسانیه خوارمه  
در ترکستان بچوچونه همایلیزدیکانه سه دنیاکانه  
ماهیسته استسانیدنکه، نو پشتکریکی نیمسی  
کر. سرمههیج خوب و کومنکن نه بیو  
بیکوتی، کاج ماموتی ماموتی ماموتی کارکه  
له ای نه نشسته ماموتی ماموتی ماموتی  
قصسمان له گلک به کر، ماموتی نه نشسته  
گوکتی، بیارسان داد که لاوایکنکه  
لایت بییته سردی، شترکاری  
قوقاتانه سه و بیکانه که همیرویان، نکایان  
رازیه، گوت، «ماهیسته نه نشسته، بیچه  
رو و ماموتی ماموتی که دی ناثنیت؟»، گویی  
«بییته ده زانیان که تخت کاری خوت و باشی  
ده بیهوده بیهوده ...»، سقکم بینی و گوت  
عن باشنه که کارم بیاشی ده بیهوده بیهوده  
کوتایی به همار و دهستپنکی هاوینی  
1961 بیو، ناتکنده بیو بیول شهشهی  
قوتابخانه سرهاییه کان له هم مو غیرآداند  
له کوتایی هانگ ماس ده استسانیدنکه،  
نموجو شکر و شوی سی ماگنه هاوین  
نوه زنده همیرویه و تا 9 نهایلول ده  
لسمهده هم شانشینیدنی، سرمههی رشکریدنی  
پیشنهاد کانه بیکارکاری پولی  
پیشنهاد چونه: نه وسا پولی نه مدن نیویو،  
پایی نیویدنی سی سال و دنواتنه ندی  
دو رو سال بیو؛ بیارسان خوشنی ده زمانه  
ریکوپیک سو، زد و زد و گرگ و دره گیرا  
لهم خداونه سرمههی رشکریدنی  
ستانه کان که پیشنهاد گوت (معین)،  
له سام سرمههی رشکریدنی به کالوریا قوتاچانه  
سرمههی راهنیه کایان، بیزقی، سه پسپار به  
رشکریدنی، کانی سه سه بیهوده بیهوده بیهوده  
ذانیاریه له ساره کاراند. لسمهده قاسد

تاریخه ناسویسته‌کان که له روزنامه کاتن  
به خشاداره ای اوای توانده بگرد و بگن.  
چه ماوهه کوردوش له کم و هانه بیزار بیرون،  
ای اوای میخانه سه ریا ته و بار و نخه نویسه کان  
نه کارکردنوه لوسر کومنیسته کان  
عتراف و لنتیوادا کومنیسته کان  
کورد. سلام عادل (حسین احمد الرضی  
و جمال حیدری سرهب زینیا سویقیه  
درایتیهان گلهکیه، له سرمه ماونس  
تو نگ هینده بینیه بیرون، تو زیه هامرویه  
به پنکتکه ای سه ریا ته و بار و نخه نویسه کان  
بن کارکردنوه لوسر کومنیسته کان  
هر ای اسرا خلخ مازویوه و نه خاوریوه  
مهیدانی کاروهه، له بیرهه خا لککه، بیچه  
له کومنیسته کان، کاسه ده راهی کوشتن  
و بیدرالیشیان، هیشتا له سرمه قاسیمان  
دکه دروده، بیکریوهون و به پناشکه دزی  
قاسمه سپساندندکه، الام و باده دی  
کومنیسته کان هنیو سویا و له سرمه قام؛  
گوروهه تینی هنری بیشاق بیون و کوردوش  
ذلیان له قاسمه هلکنداریوه، به عصیه کان  
و باسویسته-کاشش دانه کورتویان قاسمه

کم و متنبیت از این سایه هایی که باید  
همسو پارت خواسته کان لسو  
درگزیده اید. خوش قوی هامو پارنه  
کوئینیسته کان، وک بک به سرمه خون  
له بی را نداند، به محیجک ها و کاریسی  
نیونه دوسی، له نیواندا میعنی نامه ش  
دانشکانیت (نازل) لور بق تیغی سروکی  
پیکسل افلاو ب پارنه کوئینیسته کان  
نه رویه ای بوزن اواره، که خوبی میانه کانه  
ریانزکی شایعه بخیان بون به بندی  
د زبانه هر دویها - کوئینیستی (بورب -  
کوئینیم بوده.

نه وه ایستین پدربیستزیکا له  
گرچا جاچه و دستینیتکنده، به اکل له  
خرنیزه و دستینیتکنده، که بشنویمه کن  
شایانه کوتاه رخنه کنگن ه ستابالینه.  
نه همه هاولویستکنی بق نه و بکه بکار  
بیرون ای سرو، به نیانی کاتیک میعنی  
میلبایشیابکه کی ملاؤزه غرفه ها شاده و  
پاش کوهدنای تهموزونی 1958  
دوستینوونی پیوتدنیی له نیوان  
عیراق و هکتکنی سروخته، شاذنکی  
سره ای شاشتخاران (انصار السلام) چو  
بوق موسکو؛ که وزیریان سر بر باشی  
کوئینیسته عیاران سروون و بکارکوب  
ماهسته همیلی بوزن ایان، که له لیزنه  
شاستخاراندا برو، بیش بانکشکاریو  
بوق نو سفته، که هاته، نه دمه  
له همه عادل اروم، گفتی، همسکن کوئینیسته  
کورده کان و عیارقیه کان، نز قسمی  
شاستخارنکرد، برویه بیرونیه و می  
که داده، و، و امی، خش که له

کوچک‌لای قاعده‌ی سرمه سلام عادی  
لگلک کوهه‌ی ازه شغله‌ی سرمه  
چمال حاره‌ید و عزیز محمد (که) ای  
شروعیان ۱۹۵۳ میلادی با خود رهی  
درز به سرکرداباتیه به عهادن نوری (و)  
نه کان تبریزه‌ی شاه لاهی مهدوس، پسر  
به یک، سامان امداد بیو به کس  
پاکیم چیزی کوچنیستیه عیار و چما  
مهده‌ید کاسی نوروم، نه دو زیارتیه  
لنهنون پاریت دینه‌ی کوکار کورستانیش، دا،  
خوزی له چیزی کوکستیه به کوکمنیستیه کاتان  
ده گان .... تای جمال: چند دلم خوشیو  
و چند سیاسیه خواکرده که کاره  
خایه نهاده‌ی و لئم، عیارچیجه‌ی کانی بتو  
شانده‌که ش زر زلکان بون، دلم نیدی  
نه اینیزیا کاله‌یکن و سریون ...  
شایانی بایس، خوشیو نه منی  
زوریو: الوانه کیلکیف و ملؤتیونی  
کاهه‌ی زیره و کوتنه پیلانگیان لدزی، تا  
له ۱۹۶۴/۱۰/۱۵، مهه‌و دوسه‌ی اذکیان  
لینیسندوهه، نه ویسیه به خامه‌فته توه  
له مالی خیزی ماءو، واکه‌که ای سالی  
له تمهی ۷۷ سالیا کوچک‌بایارک.  
نه دم خوشیو خیزی خوشیو ساره‌ی  
لابردیه لاسر، کارکه کوکر کاره  
مه بیو لاسر برای کوکمنیستیه همو  
چیهان: هر لامه، نو زیارت دروستیون:





خویندن لسه رهاری خویم تاواکرده بوده،  
و شش سالیں خشمته کرد و بروزه  
چند سانتانیکی عیار افراحت و زخم  
کنکاری، نهاده راه بدویه بستنی گشته  
فیکاریانی هنوز اسراوی مسأله ل 67099  
10/12/1961 - 1961 دایره پستی و تلگرافی  
سانتانیکی اولاندراکاردرک که "مکون"  
لهم در داده اولاندرا و از فتحنامه کام  
مستقیماً عیاره بوده ری قوه اخانهای دلویته ندی  
هولیون، پوشیستن ۱۷۵۱۰ بیزی  
10/24/1961 - 1961 دایره اولاندرا کرد. هر  
ش و زنده که نام و ازمانیم نویسند  
با هم ماستن اعلیل سنتقا و مامور استانا  
لهم شتاش مامه مسافر سفوفتم گوت، که بیدی  
ایامه قوه اخانهای و دایره پستی و تلگرافی  
فیکاریانی اولاندراکن کواهه سلیمانی  
و هاله اولاندراشند: چنان که اهدیست  
پا بایکن. بریویه ری زانیانی سانتانی  
1961/11/8 - 1961 لکل ازمانیه  
بیدی ۹/۳۰ ی من شانگاری بیده نویران  
کنکاری بکوبو از ازم کاره که هفتاده و له  
هولیون نعام و چون سلیمانی  
کنکاری بیده زنده مومو که جم بین. اعلیل  
مستقیماً و نهانه که ناره بکو سلیمانی  
وقت.

هر چنده مافق نامه هم بیوک موچی  
مانکی 9 و دریکم؛ چونکه نامه ۹/۳۰ به وام  
کنکاریانهایون، به لام موچی مانکی 9 باش  
نهارانه دین، منش نهانم هنکرد. نازانج  
پشهله بیده مومو که جم خوار.

بریویه و تلگرافی گلشتی فیکاریانی

نامه دیه فرهنگیکه بین دویل مادرت بکا.  
هار شوی هارکه که اهده بخدا و نیزی  
لدوی نامه امکان، چوومه، سلیمانی و پاش  
چند بزرگ کارهایه بیدی و هاره،  
لدوی ۹/۶/۱۹۶۱ و از نامه کام دایه دست  
پردازه بردی زانیانی هولاندرا  
نامه دشته است مامه سفده سفده، گوکی؛ نه  
هر داده اندنی لمه لمه، بینیزند و وزارت  
به لام "گوکی" تو دین حارچ لیده بینتیه و  
نا، تا فرقه رسی و مام و دوده که بینه و کوک،  
امانه مامه زانیانی، هاره، و دام چجه چونکه  
بنیتی هارپیا خویم پاشانگ نامه بوده.  
هارلیده ماموتانیکی دیکه بیدا بکیت  
بوق قوه اخانهای کان کان کون، هارجا  
خرمه مامه ایکاشنگ راکیاند که جیدی هر  
دق خویندن. سیر بیویه، دو قوه اخانهای  
زاره بکو که لمه قوه اخانهای مامه ماستانی  
سنه هفتادی کوتوبیو، لام که نهاده زانی  
کوردیسا کوتوبیو، بریویه و تلگرافی  
هولیون، هعیه بینه و دنکندرد بکه به خداوه،  
کارهایانه کارهایانه کارهایانه کارهایانه  
کوردی سیر بوق قوه اخانهای کان، پانیتیه، زینی  
خوی خویه (نامه زانیانی)، واه، پانیتیه، زینی  
نمده و کارهایانه دیکوکه. هار بیده نهاده  
نامه و کارهایانه دیکوکه. هار بیده نهاده  
دریچوایه، هار مومو بایه کانداهی به لیده به بز  
نه زمرون؛ داده چانهاند. قوتوبیه کوکوردیش  
نامه کاره له هاره بکه نامه نثاره دنکنده  
سلاله لده ستچنگ. به معهش دلین ماف

تالیفیخسیسه که تایپکرد، بنی نهودی مذکور  
نحوی خامه‌ساز، چونکه دعوهست بی بهم  
چو هایدروپا، ٹاو و زوده لکسر بنویسم  
که بدینه دعوهست به پرتویه زانیاری  
نه ولیر. رزی دوی مانگ چوومه هولیر و  
هر چوومه هولیر.  
هر ده گاه شنیدن پر تیوی جوووه چاخانه  
کورستان. ماموستا گلوبی گلوبی نهوبی  
شادکاره که گوتی ماموستا چند زونکه  
گیباره و براوه بونه بندیخانه چیله.  
پارهدا منستیچن گلوبی هولیر جله.  
که بیدر گلکه که درج هوجوچ  
فه در چوووم هات و ماستا شامسیدین فقی  
للهاته خواروه و بخندنهاشی کرد  
گوتی. ارداوندزخه که تقد نالوزه؛ لوانه  
بیده که داران چووستیچن گلکه  
نه نهاده کانی پارتی گیراون، و لانه ش خرم  
بشارمه و. گوتی، لامه چامه چوچونکی  
برچاره‌هی و هایدروپا، و لایک شدماد بچو  
چه کارمکه لد دردی دنیان و لسر دنیان  
که کروکو چاپیکه کوت هلوویستی میزیتان  
چون هدیه شمشهستی گوتی. هشتان  
هیچ بروارن-درکه ساره. درکه ساره  
میریشیس چارچ تواتشان خوبیان درد رخان  
لهم گرن. شابانی پاسه، شامسیدین  
که سه متده بنه کاندا ناسی، به هفی  
نه چمه دیشی بیاره-هیچه که هم درودان  
پیکوکه له زانستگی به خدا دهمان خویند.  
شمسیدین چونکه چوش و سفرخش  
و ساره برداره که درکه ساره توی. همانه و  
که ایانه که هم درودان. هر برستی  
نیزکنکوونه و دی له ساره؛ به پنی پنیستی  
و هاواک. لشماره کانی کورستانیشاده، له  
کوکبوروهه چامه‌هایه کاندا دیگوک: *تیمه*  
*(ات) چانی و هاوهسته کانی* کاڑیکمان  
که پرتویه زونه، هر چمال نهیز ماهه  
و پیش سره دیته سری.

کورسستان: به لکو پتوان خزمتیکی نهاد  
شمشنده کنکم که تقدیر اندیکوپون. به لام  
لاراندا نهاده شد و شستیک پهانه زورو و خردی  
نموف خزی نهاده نهاده، تزریق ماهوله نهاده  
دروده نهاده دهسه لاتی نهاده کسه خزی؛ بیمار  
له راهنومی داده داد.  
تا نشسته، گاهیک چار، چ لایاين  
دیستان و چ لایاين ناحه زانه، نهاد  
پرسیزه کارهونه که لئه؛ یکه پرچی پاشن یه و هدی  
له ای و لاد درجه همه درده، یه شتی هیشتا  
نه کارهونه درده، چهست جراحتیک و دامی  
نه عهم داوه توهه. له لگل نهاده شد، والتره داد  
له شکری بجزاق. له بینی پیشنهاده که کاند:  
هر کوک سکه و هر کوکی کاریک نهاده کاری  
دوینی ته تماشیده کارا له لایه سرکرد کاند  
که پریسته، ته پریسته، ته پریسته بازیز  
بیکنده دوینی کاریک، تا به بوده خزی له  
که کوکی پریسته نهاد سرکرد کاند.  
باشانگیزه کارکشی و خیزه جزینه ته، اگه کات و بو  
به دیگرانداتن چه کارکن و هر له لگل کات،  
شتوهه دوبه دیگی بنه عالمی بخوبه  
گشت.  
له لانگی تتموزونی 1961 داد، باش  
نه عهم داوه توهه. نوو سال پیش، و توتونیکی

١٩٦٧/١١/٢٠  
الثانية عشر  
٧٧٤٦/٤٣  
العدد  
الثانوية  
مصدرية التعليم العامة  
وزارة التربية والتعليم  
٢٠١٣

كتابكم المتمم ١٧٥٠ هـ المترجم في ٨/١١/١٩٧١  
 ٤- لد نهاد على قبول استقالة السيد عالي الدين توفيق مدرس المسجد البابلي  
 ٣- بالتفاوض تنازلت مصر عن بعض ترثيه افضل رلهدة سبعة أيام برايسون  
 ٢- عززناه العهد والمواثيق واسعها منفتح على كل شعب اذ لم تكن له دلائل  
 ١- نسبت لامتنا الحسنة فنعتها بالشدة ونعتها بالشدة ونعتها بالشدة

ش. جـ. سـ. سـ. لـ. لـ. حـ. حـ. حـ.

صورة منه الى ابر  
مصدرى صحف الدار البيضاء / لعن الشرف فيما يتعلّق به  
جريدة عروش ساد الشعوب في الوزارة / مفاسد  
الأشباح في التسلّم الثاني

نووسراوی و وزارتی خویندنی عیراق سه باره به ره تکردن و دواکاری جه مال نه بهز

با سی ریکوکوتون و مافی روای کوردی  
له شنوبه نامیلکو به کی گیرفاناده مرهمتا جا  
ده کرد. سُز، چونکه هار له سرمهتای  
پهنجاکانه و، رهگویشی ای نُم حیزبه  
له بُرده و سره تای په لاماردانی کورستان  
ده درک و تیوو، چونکه فربوکه به منزی و هدنگی

و گلپاریکم ده کرد نهی و خوش بروتی  
بیمه شوتینگ ده کرد و شوینهای به دهدست  
پیشمرگوهون و ۰۰۰هوش برازن، تابهه بار  
لهر لر لیقه که رو ده ستم به تاپیکن ده کرد،  
به سه ر کاسه اود، چو که ده مهی لوی  
به موجوره ده نگ نهاده گیشت کولان. هار

بنانی خوب نیست. کاتیک نهاده لاسرهوده  
اساکرایوو، جنابیک دوکتکور محظوظ  
علی خانسان (خواه) که نواده ه و هتا  
شیوه که، کس  
باشد، پسر ام، کاخه

لورون کے مامروں سانہ محمد ہر روز تقریباً پینتیشبوو، بتایتی کے دی خستہ گیرنائی بہ لام تھو دانیہ سے رت تیناچو، خونے گار یعنی بے عس دہی وی دان بے مامفاندابنی" (ناوا). ہاویبیری کوچکدوو، مامروں سانتا فہیدووں عالی ہئین، کیہ کیکیش بوو

لے حوتونه ای زنگیک، له ورامی نامه گکمدا  
نووسی بونم، که قزیده داخوهه، ناتوانن لهو  
رووهه هیچ یارمه تیبب دهد. **د**  
تمامی فرمایه بدهکت، خلوه و  
کوپیه کم لدیر نگذایتیه تووه و له نورپا  
چابنه کاریسے و، نهوا کازیتکامه ودک گالینک  
بارههمی دی له نینجده جو.

**وازه‌نامه کاری مامؤسایه‌تی**  
**کاریکی ناسان نهبوو**

دەمیک بیو بەتمام بیو بچەمە دەرەوە  
بۇ درەزىدان بەخۆتىدىن، بەنیازى ئەمەي  
ھەندەك زەناسى بىز ئىنلىق، قېرىدە، جەنە

کوردا سپاهان؛ که نهاده داخویانیه‌گی  
جینی به عس بیو، نسک ریکه و تمنامی  
دوولانه. هر بیو داخویانیه؛ چوارسال  
کاتان؛ دا به عس بیهیه‌گا، خوشان؛  
و لاتکی پیشکه و تویو و هک نهرویه، بیان  
نهمیرکا، بیبنم، لهشتویه زیان و جزوی  
بیبرکندنه و ریکاری کارکدینان بیگم

لهم ما يردك من خيرٍ فاجعله علني و ممرين  
لهم ما يردك من شرٍ فاجعله علينا و مارينا  
لهم اذْعُنْ بِكَ لِمَا تَرِدُنَا  
لهم اذْعُنْ بِكَ لِمَا تَرِدُنَا

و ندو خارانه، بدو سه رمانيه يده و بخريمه و ده گل به عسيبيه کان ده گل را و ده ه فالبه ند



